

دکتر محبوبه خراسانی  
استاد راهنما  
افسانه اخوت  
کارشناس ارشد زبان  
و ادب فارسی  
و دبیر دبیرستان‌های  
نجف‌آباد اصفهان

### چکیده

اخلاق یکی از آموزه‌های دین است که در جای‌جای زندگی بشر اهمیت فراوان دارد تا جایی که در قرآن مجید در سوره حجرات و سوره‌های دیگر به آن پرداخته شده است. همچنین شاعران و نویسندگان بزرگ این مرز و بوم در اشعار و آثار خود به اخلاقیات توجه بسیاری نشان داده و اصطلاحات و مفاهیم اخلاقی را به کار برده‌اند. به جهت اهمیت مطلب در این مقاله مختصری به اخلاق و اهمیت آن و اخلاق قبل و بعد از اسلام و تأثیری که در شعر و ادبیات داشته است، پرداخته می‌شود.

### کلید واژه‌ها:

اخلاق، ادبیات، شاعران، نویسندگان، اسلام.

### تعریف اخلاق

اخلاق در لغت جمع واژه «خُلُق» است. خُلُق صفتی را گویند که در نفس انسان رسوخ دارد و موجب آن می‌شود که افعالی متناسب با آن، بدون نیاز به تفکر و تأمل از او صادر شود. خُلُق همان ملکه است که در مقابل حال قرار دارد. حال بر خلاف ملکه، کیفیت نفسانی سریع الزوالی است که می‌تواند پس از ممارست و تمرین، ملکه انسان گردد. (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۰۱)

ابن مسکویه می‌گوید: «خُلُق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند؛ بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد». (ابن مسکویه، ۱۳۸۱: ۱۵)

به تعبیر مرحوم نراقی، اخلاق عبارت است از: دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی متصف شدن و گرویدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده. (مصباح، ۱۳۸۱: ۱۸)

ارسطو معتقد بود که انسان به طور طبیعی واجد خلق و خوی‌های خاصی نیست؛ هر چند طبیعت او با هیچ خلق و خویی هم ناسازگار نیست، بلکه می‌تواند بنا به خواست خود و با مداومت و تمرین، ملکات خاصی را در خود پرورش دهد و نیز معتقد است، اشرار به تأدیب و تعلیم اخیار می‌شوند و تکرار موعظه و نصیحت تأثیر دارد.

(طوسی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

### اهمیت اخلاق

نقش و اهمیت مکارم اخلاق در تعالی معنوی انسان‌ها بر هیچ کس پوشیده نیست؛ هم چنان که رسول گرامی اسلام نیز هدف از بعثت خویش را تتمیم مکارم اخلاق معرفی می‌نماید: «تَمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» من مبعوث شده‌ام که اخلاق حسنه را به اتمام رسانم. اولیای گرامی اسلام نیز برای آنکه پیروان خویش را به راه خودسازی و تزکیه نفس سوق دهند، آنان را به آموختن علم اخلاق موظف نموده و فرا گرفتن این علم را که از پایه‌های اساسی سعادت اجتماع است بر سایر علوم مقدم داشته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۱)

بی‌تردید اخلاق در اسلام دارای اهمیت فراوانی است و علاوه بر آنکه از ارکان اسلام و در ردیف عقاید و احکام به شمار می‌آید، عامل پیوند انسان به پروردگارش نیز می‌باشد و همانا این پیوند مقصود اصلی در ایجاد انسان است. دیگر آنکه آیین مقدس اسلام در تمام زمینه‌ها جز با شیوه اخلاقی، تمام و کامل نمی‌گردد و نیز این علم از دانش‌هایی است که به انسان و حالات گوناگون او و سایر علوم و معارف انسانی اهتمام می‌ورزد. از فضیلت‌ها و مکارم انسانی چگونگی به دست آوردن آن و نحوه آراستن نفس به آن صفات نیک، از ردیلت‌ها و صفات ناپسند و چگونگی دوری جستن از آن‌ها و بازداشتن نفس از آلوده شدن و نیز آثار گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن بحث و گفت‌وگو می‌کند. (مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۲)

بی‌تردید اخلاق در  
اسلام و آموزه‌های  
قرآنی دارای  
اهمیت فراوانی  
است و علاوه  
بر آنکه از ارکان  
اسلام و در ردیف  
عقاید و احکام به  
شمار می‌آید، عامل  
پیوند انسان به  
پروردگارش نیز  
می‌باشد و همانا  
این پیوند مقصود  
اصلی در ایجاد  
انسان است

با نگاهی گذر به  
اخلاق پیش از اسلام  
در می‌یابیم که با وجود  
کتاب مقدسی مانند  
اوستا که مجموعه‌ای  
از تعالیم اخلاقی  
است و تمدن دیرین و  
روحیات ایران پیشین  
را یادآور می‌سازد،  
اخلاق از مقوله‌های  
مورد توجه در ایران  
باستان بوده است

در سلسله‌های متعدد موجود در ایران باستان نیز تعالیم اخلاقی وجود داشته‌اند. سلسله ساسانیان که بر سر دو راهی میان دنیای یونان و روم از یک سو و چین و هند از سوی دیگر قرار داشت، روزگاری دراز مرکز مبادلات معنوی و مادی بود. تمایلات ایران دوستی که در این دوره حکم‌فرما بود، به کمک و همراهی مذهب ملی کشور، آیین زردشت و روحانیون پارسی به وجود آمد، رواج پیدا کرد و این تمایلات در ادبیات پرورش یافت.

(اینوستراتسلف، ۱۳۵۱: ۱۵)

ادبیاتی که جنبه اخلاقی دارد، شامل تعلیمات اخلاقی، دعوت به کار نیک، اندرزها و رهنمودهایی برای داشتن یک روش صحیح زندگی و همیشه همراه با گفتارهایی درباره دین و اصول آن است. این گونه نوشته‌هایی را که تعدادشان نسبتاً زیاد است، هندرز (اندرز) یا پندنامک می‌نامیدند. کتاب پندنامک زرتشت شامل دستورهای اخلاقی همراه با تعلیمات دینی است.

(ریبکا، ۱۳۵۴: ۶۸)

بنابراین، رساله‌های اخلاقی و آموزشی به صورت اندرز و وصیت، گروه مخصوصی از آثار ادبی را تشکیل می‌دهد. از بررسی تألیف‌های مشابه در ادبیات ایرانی در دوره ساسانی می‌توان به چگونگی پیدایش آن پی برد. نمونه‌ای از این نوع اندرزنامه‌ها را که به صورت ادبی تنظیم یافته و مربوط به دوره قبل از اسلام است، در کتاب عهد اردشیر یا پندنامه خسرو انوشیروان می‌توان دید.

(اینوستراتسلف، ۱۳۵۱: ۳۴)

در اهمیت علم اخلاق می‌توان گفت که وجود انسان به گونه‌ای ضعیف و ناقص آفریده شده است؛ به گونه‌ای که باید خود، ابعاد هستی خویش را شکل دهد و به کمک قدرت اندیشه و اراده خویش استعدادها را شکوفا سازد و به کمال لایق خود برسد. اخلاق، استعدادی است که در وجود انسان نهفته است و برای آنکه انسان به کمال لایق خود برسد، باید این جنبه از وجودش را نیز شکوفا سازد (امید، ۱۳۸۱، ۱۶۶).

### اخلاق پیش از اسلام

با نگاهی گذرا به اخلاق پیش از اسلام در می‌یابیم که با وجود کتاب مقدسی مانند اوستا که مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی است و تمدن دیرین و روحیات ایران پیشین را یادآور می‌سازد، اخلاق از مقوله‌های مورد توجه در ایران باستان بوده است. گات‌ها مهم‌ترین قسمت اوستا، نخستین کتابی است که بشر را به شاهراه وحدت راهنمایی کرده است. در تعلیمات زرتشت مقصود از خلقت و نتیجه زندگی این است تا هر فردی در آبادی جهان و شادمانی جهانیان کوشیده است، خود را به وسیله اندیشه، پندار و گفتار و کردار نیک، قابل عروج به عالم روحانی و رسیدن به اوج کمال و سعادت جاودانی نماید. همچنین محسنات اخلاقی از قبیل راستی و درستی، امانت، تواضع، رحم و شفقت و... نمونه‌هایی از تعالیم مزدیسنا و اخلاق ایران باستان است.

(ایرانی، ۱۳۶۱: ۵)

# اخلاق در ادبیا

در تکوین اصول اخلاقی اسلام سه عنصر مؤثر وجود داشته که مورد توجه قرار گرفته است: در درجه اول اصول اخلاقی مذکور در کتاب مقدس قرآن است. در درجه دوم یک رشته مدارک اخلاقی که به‌سیال متنوع است و سوم سنت اخلاق یونانی

اخلاقی که از اندرزنامه‌های کهن نشأت می‌گیرد پیچیده، ظریف و چنان سرشار است که می‌توان مطالعه مضامین ادبیات فارسی سده‌های نخستین را براساس آن استوار کرد. نقش اصلی این مجموعه‌ها، برانگیختن نوعی نگرانی و حدت بخشیدن به آن، بر حذر داشتن وجدان از خواب‌آلودگی و متقاعد کردن آن است به اینکه راحتی و آرامش واقعی در این بیداری است. این اندرزنامه‌ها نطفه اصلی اندیشه‌ای اخلاقی است که در سراسر ادبیات فارسی به چشم می‌خورد. (فوشه کور، ۱۳۷۷، ۲۳)

### اخلاق پس از اسلام آوردن ایرانیان

پس از برافتادن دولت ساسانیان اشاعه تاریخی اسلام در ایران آغاز شد و همگام با آن، عربی نیز که زبان متن‌های مقدس بود رونق یافت و ایرانیان به تدریج آیین پیامبر اسلام(ص) را پذیرفتند. (ریپکا، ۱۳۵۴: ۶۳)

ایران در نتیجه جنگ‌های نهصدساله با روم و فتور و کهولت دین مزديسنا و انقلاب فکری و سیاسی که ایجاد شده بود، روی به ضعف نهاد و با آنکه ایرانیان زودتر از رومیان ایستادگی و رشادت به خرج دادند، زودتر از آن‌ها منقرض گردیدند اما فرهنگ و تمدنشان از میان نرفت. دولت اسلام پایتختی به وجود آورد و درباری ساخت که از حیث سازمانی اخلاقی و مادی به مراتب طبیعی‌تر و استوارتر از عهد پیشین بود و ادبیاتی به وجود آورد که صد یک آن را در عهد ساسانیان نداشت. (بهار، ۱۳۴۹: ۱۴۲)

در تکوین اصول اخلاقی اسلام سه عنصر مؤثر وجود داشته که مورد توجه قرار گرفته است: در درجه اول اصول اخلاقی مذکور در کتاب مقدس قرآن است. در درجه دوم یک رشته مدارک اخلاقی که بسیار متنوع و در عین حال مبهم است؛ مانند: امثله، کلمات حکیمانه، حکایات، افسانه‌های منظوم که در حقیقت سلسله‌ای از مطالب اخلاقی فلسفی است که غالباً هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند و از حیث محل و تاریخ پیدایش گوناگون‌اند و در درجه سوم، سنت اخلاقی یونانی قرار گرفته است. (اینوسترانسف، ۱۳۵۱: ۳۰)

در دوره اولیه رونق علوم در اسلام، تألیف‌های یونانی ترجمه شده است. علاوه بر ترجمه برخی تألیفات اخلاقی یونانی مخصوصاً تألیفات ارسطو یک رشته آثار با اسامی ساختگی مؤلفان به این سنت ارتباط داده می‌شود که رابطه آن با علوم یونانی فقط ظاهری است و حتی طرف‌داران اصل تفوق تأثیر یونانی آن آثار را در گروه دوم آثار قرار داده‌اند که در علم اخلاق اسلامی تأثیر داشته است؛ یعنی، گروه «آثار حکمت شرق» نوع وصایای ساختگی که به ارسطو و فیثاغورث و دیگران نسبت داده می‌شود. ابن مسکویه به نوعی از مدارک ایرانی مانند، پندنامه‌ها و اندرزنامه‌ها اتکا می‌نماید که به هیچ وجه جزو ادبیات اندرزآمیز مجمل و نامفهوم و مبهم نبوده بلکه نام‌برده به آثاری استناد می‌کند که جنبه کتاب‌های مربوط به تعلیم مذهبی را داشته و از این رو معرف اصول مشخص اخلاقی، دیانتی یعنی اصول اخلاق پارسی است. (همان: ۳۱)

### زهر اغیائی

دانشجوی کارشناسی ارشد  
زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات  
دبیرستان‌های ورامین

### چکیده

امروز طرح جدال داستان کوتاه و داستانتک (minimal) بودن یا نبودن بسیاری از حکایت‌های ایرانی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان جذاب است و محققان سعی دارند این متون را با ساختارهای نوین ادبی مورد بررسی قرار دهند.

در بسیاری از آثار کلاسیک فارسی مانند گلستان سعدی، بهارستان جامی و اسرارالتوحید داستان‌هایی مشاهده می‌شود که با تحلیل و تطبیق می‌توان برخی از ویژگی‌های ساختار مینی‌مال را در آن‌ها یافت.

در این مقاله سعی شده است با بررسی تعدادی از حکایت‌های گلستان سعدی، آن‌ها را در ساختارهای نوین ادبی داستان کوتاه کوتاه، یعنی داستانتک، معرفی کنیم.

با توجه به تحلیل‌های انجام شده در این حکایات، مشخص شد که هرچند در آثار کلاسیک فارسی داستان کوتاه و مینی‌مالیستی - به شکلی که امروزه در غرب تعریف شده است - وجود ندارد، اما با مقایسه و تحلیل برخی از این ویژگی‌ها می‌توان در حکایت‌های گلستان نمونه‌های چشمگیری از آن‌ها را مشاهده کرد.

روش تحقیق: نظری بوده و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

### کلید واژه‌ها:

ساختار، ادبیات کلاسیک، مینی‌مالیسم، گلستان.